

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه ۲۹ معرفه المهدی

عدل و قسط، جذابیت بین المللی مهدویت

عرضم به خدمت شما که نکته بسیار مهمی را در بحث معرفت المهدی داشتیم خدمتتان عرض می‌کردیم. شاید اگر نگوییم مهم ترین نکته در مورد حضرت این است، قطعاً یکی از مهم ترین نکات است و آن این است که اگر پرتکرارترین عبارتی که برای حضرت به کار می‌رود، مبحث عدالت حضرت است و عدل مشتهر است و عدل منتظر حضرت است و روایات زیادی این معنا را بیان کرده است که اگر «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ». اگر یک روز از دنیا باقی مانده باشد «لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ» آن روز را آنقدر طولانی می‌کند که «حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ وَلَدِي». تا اینکه حضرت ظهور کند که چه کار کند؟ که «لِيَمْلَأَ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعِلاًً کَمَا مَلَأَتْ ظُلْماً وَجوراً». تا دنیا را پر از قسط و عدل نکند. این عبارت مهم ما را به سمت یک فرصت و یک تهدید می‌کشاند. این فرصت و تهدید را من اول، این آیه‌ای که شاید یک‌بار دیگر هم این آیه را آورديم. آیه هشتم مبارکه ممتحنه را بیاورید که صفحه ۵۵۰، در مورد رابطه با کسانی که با شما جنگ ندارند. کافرند نسبت به شما دارند، ولی با شما هم نمی‌جنگند.

نشان می‌دهد که چهره بین‌المللی، قسط و عدل است و این خیلی حرف مهمی است که شما وقتی قرار است حضرت ظهور بکنند، باید یک جذابیت بین‌المللی داشته باشد حرف. اگر بخواهد جذابیت بین‌المللی داشته باشد، حرف باید فطری باشد. حرف اینها، همه آیه است و همه اینها آیات است. پس باید معرفی فطری بشود و معرفی بین‌المللی شود که جذابیت بین‌المللی داشته باشد. اتفاقاً دین چون بر پایه فطرت است، همانجوری که آمده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» اگر دین برای خودمان هم بخواهد جذابیت داشته باشد، یعنی در یک نگاه درون دینی هم بخواهد جذابیت داشته باشد، باید فطری باشد. روی عناصر فطری‌اش خیلی باید تاکید کرد و از عناصر فطری‌اش به بحث‌های تبعیدی داخلی‌اش کشید یا حتی بحث‌های تبعیدی داخلی‌اش را باید به معرفی فطری کرد. این حرفی که زدیم، دُر و گوهر ریختم.

ببینید چه گفتم؟ ببینید مثلاً چرا قرآن رکعات نماز را توضیح نمی‌دهد؟ چرا خیلی وقت‌ها به این چیزها نمی‌پردازد؟ نماز را توضیح می‌دهد و تاکید می‌کند روی نماز. نماز یک بُعد فطری دارد. بُعد فطری شکر منعم دارد. روی این خیلی می‌ایستد. ببینید نمی‌دانم چقدر برخورد کرده‌اید به آدمی که از بیرون دین می‌آید در دین. نمی‌دانم تا حالا به این جور آدم‌ها برخورد کرده‌اید؟ اینها برایشان حتی احکام خیلی جذاب می‌شود. آنقدری که برای ما جذاب نیست. این یک نگاه بیرون دینی داشته است. یکپویی از یک چیزی خوشش آمده. از عدالت خوشش آمده است. از شکر منعم مثلاً خوشش آمده. می‌آید برایش مثلاً فرض کنید حجاب با همین قیافه با همین ترکیب برایش جذاب است. برایش نماز جذاب است. یعنی همین اینجور نماز خواندن، این جذاب است. اگر ما اصرار داشته باشیم اتفاقاً به جای آنکه، من نمی‌خواهم تعبد را نفی بکنم اتفاقاً تعبد چیز مهمی است، اما اینکه شما بتوانید نگاه‌های فطری را و بین‌الملل را همانجوری کنید که قرآن مثلاً به اهل کتاب می‌گوید که: «قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ تَعَالَوْا۟ إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» بیاید روی جاهای مساوی بایستیم. این می‌شود مثلاً توحید، شکر منعم.

می شود اینها دعوت به زمین مساوی، دعوت به حرف فطری در طبیعت، دعوت به حرف بین المللی. از آنجا که شما بکشانید توی این فضا و حتی اگر خواستید تعبد را توضیح دهید، نگاه های فطری و بین المللی اش را توضیح دهید. اما او دیگر آن را خودش خیلی وقت ها می رود انجام می دهد یا حتی اگر آن را انجام نمی دهد، آدم خطرناکی نیست. مثل این می ماند که نگاه کنید، یک بعدی دارد. من سریع بحث حجاب و عفاف و اینها خیلی این را می گویم. وقتی شما با بحث حجاب وارد میدان میشوید، حجاب یک بحث فقهی تعبدی است. حجاب یک حرف فقهی است. برای همین است که در حقیقت اصلاً تعبیر شل حجاب و بدحجاب و این چیزها وجود ندارد. این تعبیر اصلاً تعبیر غلطی است. چون بحثش تعبدی فقهی است. یا طرف حجاب دارد یا ندارد. اینجوری است. شل حجاب نداریم. اما بار این مفهوم را تنها کلمه حجاب نمی کشد که یک بحث فقهی است.

ما حیا داریم، عفاف داریم، چه داریم، همه اینها را داریم. خیلی وقت ها ممکن است آن حجاب را نداشته باشد ولی می بینی به واسطه آن نگاه دیگرش، آن تعبد را ندارد. چیز دیگری برایش مطرح شده است. در آن چیز دیگری که برایش مطرح می شود کاملاً محتشم است و محتشم بودن و پوشیده بودن و با حیا و عفاف بودن modesty یک چیزی است که کلاً مطلوب است. در همه جای دنیا این حرف، حرف مطلوبی است حیا و عفاف. روی این حرف می ایستد آن وقت و این آثار دارد، بار دارد. من این بچه ها را بردم دانشگاه حزب الله لبنان، برای بچه ها خیلی عجیب بود. دانشگاه خود حزب الله لبنان، یک خانم چادری نشسته کنار یک خانم بیحجاب. عه! خانم چادری کنار یک خانم بیحجاب! در چه چیزی مشترکند؟ در اسرائیل ستیزی، در عدالت، در اینها با هم مشترکند. لذا خطرناک برای همدیگر نیستند. ممکن است همدیگر را در جاهایی تعبداً نپذیرند.

ما تمام بار را می خواهیم بیندازیم روی یک تعبد که آن تعبد را توضیح فطری بین المللی هم نمی دهیم برایش. خود متن آن تعبد را می خواهیم نگه داریم و توضیح بدهیم. در صورتی که اگر می خواهید جذابیتی ایجاد کنید، می خواهید فقهی ایجاد کنید که مشترک بین همه باشد، آن فهم، فهم فطری است. ایستادن روی جاهای مساوی است. حرف من را بد که نفهمید؟ نمی دانم چه جوری می فهمید. فکر نکنید دارم من زیر آب یک تعبد را می زنم ها. من می خواهم بگویم چرا شما اصلاً کار حضرت یک کار بین المللی است؟ چرا که در مورد عدالت و قسط است و حرفش بین المللی است و این نیروی فطرتی است که اگر نگذارید که خاموش بشود و پرچم عدالت دست شما باشد، این می شود همان تهدید- فرصت.

فرصتش چیست؟ یادتان هست ما درباره فرج شخصی صحبت کردیم؟ هر کسی که دستش به دامن بیشتر است، خودش به یک فرجی می افتد. یعنی فرج شخصی ایجاد می شود. خب اگر این شخص هی عدالت خواه بیشتر باشد، واقعاً ظلم ها اذیتش بکند. شما که طلبه ای هستید، در این جمع کسانی که طلبه اند، این نکته را می دانند که اصلاً عدل و ظلم جزء مستقلات عقلیه است در اصول. اصلاً این را جزو مستقلات عقلیه (میدانند). یعنی دیگر عالی ترین مفهوم این است که خود انسان را تشخیص می دهد. این عالی ترین مفهوم است. لذا اگر کسی واقعاً دنبال شناخت مفهومی و مصداقی در حقیقت این نکته باشد، این نکته را دنبال کند، اصلاً به فرج (شخصی) میرسد. او آماده ظهور است. او اصلاً آمادگی به ظهور دارد و اگر اولویتش عوض شود، اگر اولویت بین المللی عدل و قسطش عوض شود، چیز دیگری شود، اتفاقی که برای او می افتد، همان اتفاقی است که در تاریخ اسلام برای یهود افتاد. ببینید یهود دو سه نسل قبل از پیامبر آمد در منطقه مدینه ساکن برای حضور پیامبر اصلاً. منتهای مراتب وقتی که رفتند زیر کار، حضرت آمد، چون آنها یک

اولویی داشته باشد، (اما) اولویت حضرت چیز دیگری بود، اینها شدند «أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا»، اینها سخت‌ترین دشمنان پیامبر شدند.

این که در روایات ما است که بسیاری از متدینین در مقابل حضرت می‌ایستند و سخت هم می‌ایستند، به خاطر این است که اولویتشان با اولویت حضرت یکی نیست. حضرت را می‌خواهند برای چیز دیگری می‌خواهند. در صورتی که اینها «أَيُّنَ الْمُزْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ؟ أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ؟» اینها مثلاً می‌خواهند به یک معیشتی برسند فرض بفرمایید که حضرت دارد می‌آید نه اینکه با ظلم مبارزه کند، حضرت با ظلم مبارزه نمی‌کند. حضرت ظلم را می‌خواهد ریشه کن کند. دابر الظلمه را بزند. یعنی بزند عقبش هم به وجود نیاید. ریشه کن باید بکند. او «الْمُزْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ» است. برای همین است که این مورد باید بسیار دقت کرد و کسی نگذارد و حتی در جایی حواسش باشد، من این را در حاکمان خودمان خیلی میبینم که چون تغییر فکر می‌کنند می‌توانند بدهند و بعد نمی‌توانند بدهند، رفته‌رفته ندای عدالت‌خواهی مفهوماً و مصداقاً برایشان فروکش می‌کند. اینکه گفتم، خطر جدی جدی است.

تفاوت معنایی مفاهیم عدل و قسط

حالا من می‌گویم مفهومی مصداقی، چون یک تفاوتی بین عدل و قسط هم وجود دارد که شما می‌بینید دین ما هر کجا می‌شود این عدالت را میگذارد زمین. می‌گوید پیشنماز؟ پیشنماز باید عادل باشد. این ویژگی پیشنماز است. خلیفه؟ عادل باید باشد. شاهد؟ باید عادل باشد. اینها چهره بین‌المللی دین است. اصلاً نمی‌گوید متدین باشد. مثلاً باید خیلی متدین باشد شاهد، نه یک شاهد باید عادل باشد. یعنی این وجه عدالت در آن بسیار وجهه جذابی است که بین‌المللی می‌کند. اصلاً قرآنی که شما می‌گویید «نَذِيرًا لِلْبَشَرِ» برای بشریت است، باید پیام‌هایش از جنس بشریت باشد. زبانش باید از جنس بشریت باشد. معرفی حتی نکات تعبدی ما به زبان فطرت از معرفی‌های بسیار مهم است. یعنی ترجمه‌های فطری از آن (بیرون بیاید).

بله اینکه تفسیر به رای عدالت، این بحثی است که امروز هم می‌خواهم اشاره‌ای بکنم. بحث مفهومی عدالت و بحث اقامه عدالت که می‌شود قسط. وگرنه کسانی که در ارتباط با امیرالمؤمنین می‌جنگیدند، نهروانیها، آنها نمی‌گفتند تو عادل هستی و ما می‌جنگیم با تو که! می‌گفتند تو عادل نیستی و ما می‌جنگیم. چون تو عادل نیستی. یعنی یک شبه مفهومی وجود دارد که اصلاً عدالت چه هست؟ خب چون خیلی‌ها پرچم عدالت‌خواهی را بالا می‌کنند، در صورتی که کاملاً به ضد عدالت تبدیل می‌شود و پرچمی را که بلند می‌کنند به ضد عدالت (تبدیل می‌کنند). کار بسیار خوبی می‌کنند روی عدالت پافشاری می‌کنند. پافشاری روی عنصر عدالت، یعنی پافشاری روی حکومت مهدوی. ما معمولاً عدالت را درون دینی می‌کنیم به امامی و شیعی بودن، این غلط است. این کار غلط است.

شما نگاه کنید آیه آورده است. آیه هشتم «لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتُلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». ببینید هر جا این بحث می‌شود، می‌آید روی قسط می‌ایستند. باز دوباره انشاءالله جای دیگر «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». خدا مقسطان را دوست دارد. یعنی دوست دارد شما این کار را بکنید. با قسط با اینها برخورد کنید. بله «لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتُلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ» با آنها این کار را نکنید و رفاقت نکنید. وگرنه با این کسانی که با شما کاری ندارند. حالا طرف مثلاً سیلی آمده، زلزله‌ای آمده، مشکلی به وجود آمده است، با آنها کاری

ندارد. خب حالا بودایی است که بودایی است. ببینید چه قدر این منطق بین‌المللی است. آقا بالاخره این کمک به هم‌نوع است یا نه؟ «اما اخ فی الدین، او نظیر لک فی الخلق». حرف مهمی است. این نظیر تو هست یا نه؟ این انسان هست یا نیست؟ حالا بودایی است که بودایی است. ماشین بودایی خراب شده مثلاً هل نده این بودایی است. این جوری نیست که «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».

حتی شما این آیه را بیاورید که معلوم می‌شود عدل و قسط چیست. بعضی‌ها فکر می‌کنند عدل با قسط کاملاً یکی است. کاملاً یکی نیست. ۵۱۶ را بیاورید. صفحه ۵۱۶، آیه ۹، سوره مبارکه حجرات. «إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا» اولش صلح. کاری کنید صلح ایجاد شود بین کسانی که با هم درگیرند. سریع فضا را جنگی اعلام نکنید. اینکه فضا را جنگی اعلام کنید، دیگر نیست. حتی بین زن و شوهر در خانواده، در مدرسه بالاخره اتفاقی افتاده است. فضا را جنگی نکنید سریع. فضا را حکومت نظامی نکنید. فضا این‌جوری تعریف نشود. «فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى» اگر دیدید نه، این صلح اتفاق نمی‌افتد و اینها «فَقَتِّلُوا آلَی تَبَغَى» با آنکه (دشمن است) بجنگید «حَتَّى تَفِیءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ» تا برگرد به امر خدا «فَإِنْ قَاءَتْ» حالا برگشت دیگر «فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا» نیست «فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا» ببینید اصلاً قبلش ممکن است عدل هم به این معنا (نباشد). یعنی گاهی اوقات ریش‌سفیدی حل کردن ماجرا است. قبلش «فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا» ولی وقتی کار به اینجا می‌کشد «فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا» در اینجا نشان می‌دهد که عدل با قسط هم فرق دارد. «بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».

این نکته‌ای است که عدل همان است بیشتر می‌خورد به اینکه مفهوم‌شناسی‌اش در قرآن است این‌جوری است. ما اصلاً «یحب العادلین» نداریم. بیشتر به حوزه شبهه مفهومیه اش است، به حل شبهه مفهومیه اش است عدل. ولی قسط همیشه با فضای اقامه همراه است. با اقامه همراه است. یعنی وقتی شما عدل را به پا می‌کنید، می‌شود قسط. قسط، عدل به پا شده است. اولاً در این آیه نشان می‌دهد که عدل با قسط فرق دارد. چونکه کاملاً می‌گویند تفسیر قاطع شرکت است دیگر. به قول ما آخوندها می‌گویند تفسیر قاطع شرکت است. این حرف خیلی حرف‌های پیچیده‌ای هم نیست، یعنی وقتی در کنار همدیگر قرار گرفته، معنایش فرق دارد. «فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا» بعد «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». خدا مقسطان را دوست دارد. یعنی تمام بحث مفهومی‌اش هم، گیر نیفت سر بحث مفهومی‌اش، بحث شبهه مفهومی هم آخرش باید مصداق‌اش را حل کنید. این همان چیزی است که در بحث بین تصمیم و عزم هم به نوع دیگری عرض کردم. تصمیمی که به عزم تبدیل شود، فایده‌ای ندارد. این برای ما آخوندها خیلی فایده دارد کلاً موضوع برای مباحثه است.

یعنی فرض کنید که عدل چیست؟ اینها فایده دارد به شرط اینکه بخواهد اقامه شود. می‌خواهد «یملاً الله الارض» فلان. بیشتر قرآن این‌جوری به نظر می‌آید که وقتی با فضای قیام مثلاً «قوامین بالقسط» این‌جوری با فضای قیام می‌آورد، به نظر می‌رسد که فضای عدل فضای مفهومی‌تری است. شناخت مفهومی است. خیلی مهم است‌ها که آدم در شناخت مفهوم اشتباه نکند و خلاصه آن چیزی که پس از آن بود، این بود که در این جلسه داریم عرض می‌کنیم، این نکته است. این یعنی «اصلحوا بینهما بالعدل» که اگر با عدل اصلاح کنید و آن را اقامه کنید، می‌شود «أَقْسِطُوا». «أَقْسِطُوا» یک دستور جدید است. «فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ» یعنی اصلاح کنید بینشان را با عدل. خب حالا صلح و صفا برقرار شد بالعدل. بالاخره اینها درگیر بودند و دعوا کردند، چیزی شده، آن شیشه شکسته، این فلان کرده است، اینجا باید اقامه کرد الان، فقط اصلاح نیست.

یعنی «أَقْسَطُوا». لذا الان چیزی که بعضا هم در این بیانیه‌ها می‌آید، این است که مثلاً ببخشید آن‌هایی که قداره کشیدند، هفت‌تیر دستشان گرفتند، چه کار کردند، اینها را ببخشید، بخشش عمومی این مدلی. بنده در این جاهایی که هستم، جزو مخالفین این بحث هستم شخصاً. که آقا به هر جهت اگر اینجوری شود که کار به اینجا برسد و این کارها (باید برخورد شود). یک موقع می‌گویی حالا چهار تا شعار دادند و فلان کردند و از این کارها کردند «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا». یک موقعی هست نه دیگر رسیده کار به اینجا. ما که دیگر امنیت این مدلی نداریم که قاتل و جانی و نمی‌دانم فلان و اینها (را عفو کنیم). «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ» باید معلوم باشد که چه فضایی جهت مفهومی درست است اینجا. بعدش هم آن اقامه شود. حالا بله. آنهایی که می‌خواهند آنها را از زندان آزاد کنند، بله، ما راه کارهایی که در دین، راه کارهای پسندیده‌ای هم هست.

آقای استاد شریف که می‌گویی فلان، شما کفالت کن که استادی هم محفوظ باقی بماند. چهار تا استاد می‌گویند فلانی آزاد شود، شما کفالت کن باشد. کما اینکه در بازار این خیلی متداول است. می‌گویند، چک می‌دهی، پشت چک را بگو یک نفر امضا کند. یک آدم معتبر بده پشت چک را امضا کند. باشد، من چک را از تو قبول می‌کنم. این است که فضای کفالت هم استاد دانشگاه را در یک تراز خوبی قرار می‌دهد و بله، شما یک نفر را از زندان آزاد کنید الان، یک دانشجویی که لیبر بوده و می‌زده و می‌شکسته است و فلان و اینها که ممنوع‌الورود بوده است، شما می‌خواهی در حقیقت وارد دانشگاه بکنی، باشد، کفالت کن. پشت چکش را شما امضا کن. شمایی که فول پروفیسور دانشگاه هستی و آدم شناخته شده‌ای هستی، استاد من هم بوده است آن نفر الان دارد مثلاً استاد فیزیک یک من بوده است. باشد، شما آدم آبروداری هستید. الان داری پشت چک این را امضا کن. یعنی نباید اینجوری باشد که اصلاً کی بود؟ کی بود؟ من نبودم و اصلاً چه شد؟ اینها هم هستند که دیگر ما امنیت در این مسائلی نداریم که.

مقسط عدالت‌پیشه نیست، اقامه‌کننده عدل است. عدالت‌پیشه شاید معنیش با هم فرق نکند. کسی که پیشه‌اش است که برود دنبال عدالت. این عدالت پیشه مفهومش کار ما آخوندها است که متأسفانه خیلی هم مغفول باقی مانده است. مثلاً حضرت آقا درباره آقای حکیمی دیدید می‌گفتند فیلسوف عدالت. خب این خیلی مهم است. این تعبیر که فیلسوف عدالت، در حقیقت شما نگاه کنید، مجلدات الحیة را نگاه کنید، می‌بینید که همه دغدغه ایشان عدالت است و دارند مفهوم‌شناسی می‌کند عدالت را. به نظر من هیچ منبعی قوی‌تر از این منابع، حالا غیر قرآن و اینها، هیچ منبعی مثل الحیة آقای حکیمی مفهوم‌شناسی نکرده است این بحث را با روایات و آیات متعدد و دسته‌بندی‌های بسیار خوب.

ببینید که رسول‌الله مشرکین را در زمان فتح مکه عفو کرد. شما یک موقع هست واقعاً کنترل کردید فضا را و کاملاً کنترل شده است. یعنی جنگ‌ها را انجام داده و فضا را کنترل کرده‌اید. ابوسفیان هم آمد شما... اینجاها جاهایی است که خود ولی باید تصمیم بگیرید. من یک موقعیت چیزی به آقای جاودان گفتم. گفتم بین این و این واقعاً کشور مانده است. ایشان نگاه کرد دید راست است. یعنی هر دو طرفش یک چیزی است. گفت این را از آقا باید پرسید. این را دیگر من نمی‌توانم بگویم در چنین چیزی. گفت این را باید از آقا سوال کنی. درست هم همین است. یعنی چیزهایی هست دیگر. ولی شما در آیات قرآن هست که می‌گوید «إِنْ نَعَفُ عَنْ طَائِفَةٍ» در خود سوره مبارکه توبه از لیبر نمی‌گذرند. «إِنْ نَعَفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ نَعَذِّبُ طَائِفَةً» ما اگر از یک گروه بگذریم، از یک گروه دیگر نمی‌گذریم. یعنی اینجوری نیست که مثلاً فرض کنید که حالا بگذریم، بنا بر این است که دیگر کلاً آش با جاش از همه (بگذریم).

مثلاً فرض کن طرف نه ادب شده است، نه در سیستم است، نه، نه، نه، نه، نه، آن موقع نه صرفاً اعتراض می‌خواهد بکند، نه صرفاً حرف نظری دارد. ببینید مثلاً من سر آن جلسه در بحث آزادی و ارتداد این را عرض کردم که شما وقتی که در سوره فصلت، هم سوره مکی است هم سوره مدنی، دارد کار رسانه‌ای عملی میکند. با شما بحث نظری نمی‌کند. «لَا تَسْمَعُوا لَهُذَا الْقُرْآنَ وَالْعَوَّ فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ». خب ببینید این حرف را، یعنی با شما جنگ رسانه ای می‌کند. و کسی که این کار را می‌کند، دیگر می‌بینید. در مدینه هم دارد دیگر «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَآكْفُرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ». صبح می‌آییم ایمان می‌آوریم، بعد از ظهر می‌آییم بیرون. خب این می‌شود ارتداد. جلوی شما را میگیرند. یعنی توطئه رسانه‌ای است و داستان با شما اکت عملی می‌کند.

وگرنه این دین انقدر قشنگ است واقعاً با این که خودش را حق مطلق می‌داند، ولی قرآن می‌گوید: «وَأَنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَّيْ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ». یا ما یا شما یکی درست می‌گوید، یکی غلط. با این که خودش می‌داند درست می‌گوید، ولی این فضای گفتگو نیست که بنشینیم من که درست می‌گویم، تو بنشین حرفهای من را گوش بده. خب این که فضا نمی‌شود که. می‌گوید: «وَأَنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَّيْ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ». یعنی یکی اشتباه می‌کند، یکی درست است، این می‌شود فضای گفتگو. اتفاقاً در فضای گفتگو خیلی مهم است آدم وارد شود. به هر چیزی که جلوی گفتگو را ببندد و هر اتفاقی که فضای گفتگو را باز کند. من دیروز در این اتفاق شریف با اینکه بعضیها ناراحت بودند، من می‌گفتم این اتفاق خیلی خوبی افتاد که انجمن اسلامی جای شناسنامه‌دار، یک عده را دعوت کرد. اینها اعتراض کردند و فحش هم ندادند و حرف ساختار شکنانه هم نزدند، این استاد ما هم آقای اردلان گفته است آقا بدانید که فلان و بیسار و اینها، این آمریکا هم دشمن است‌ها. این حرف مهمی است. خب این می‌شود یک حرکت رو به جلو. یک آدم شناسنامه‌دار، یک گروه شناسنامه‌دار... ممکن است من را قبول نداشته باشند ولی یک گروه شناسنامه‌دار سر و ته دار آمده در حقیقت فضای اعتراض (مناسب را مطرح کرده است) و اینها خوب است.

عمل به اصول قانون اساسی، ضرورت امروزه حکومت

حالا اینها بین خودمان باشد، اما گاهی اوقات حرف‌هایی است، اعتراض‌هایی است، ما نمی‌توانیم بکنیم. یک عده باید بکنند. ائمه یک کسانی داشتند به نام «ماجن». می‌دانید ماجنها اینها چه کسانی بودند؟ یک بهلول‌هایی بودند که بزنند زیر میز. اینها یا یک تخته‌شان کم بود یا ابراز می‌کردند که یک تخته‌شان کم است. بهلول‌وار اینها حرف‌هایی می‌زدند که خود امام نمی‌تواند بزند. یک کسانی این جور هستند، لازم است حضورشان در یک سری اعتراض‌ها. حرف‌هایی را اینها می‌توانند بزنند که ماها جنس‌مان نمی‌تواند اینها را بزند. یک اعتراض‌هایی را اینها می‌توانند بکنند. اتفاقاً خیلی هم خوب است و اینها نشانه پختگی من است. من از اول می‌گفتم آقا من خوشبین هستم نسبت به این جریان‌ها. دارد به سمت یک پختگی‌هایی می‌رود. اولاً سطح شهر جمع شده، لوکالیز دانشگاهی شده است بیشتر. بعد دارد حساب کتاب پیدا می‌کند که چیز خوبی است، خیلی فضای درستی است. ما در نهایت نمی‌توانیم فضای اعتراض را ببندیم که بگوییم همه کار ما درست است، همه کار حکومت درست است و ما فلان.

نه شعار برود به سمت شعارهایی که رکیک نباشد، ساختارشکن نباشد، فضای گفتگو درست باشد، خیلی فضای خوبی است. اتفاقاً اینجاست که آدم می‌فهمد ادبیاتش را باید چه جور انتخاب کند که بگیرد. این ادبیات بین‌المللی دریابید و قابل فهم برای طرف دریابید و همه اینها نشان رشد در خانواده است. به هر

قیمتی. ببینید ماها یک فتری را وقتی فشار می‌دهیم، وقتی که رها می‌شود، بالاخره یک موقع‌ها محکم اگر ولش کنیم، می‌خورد به سر و صورتمان. (اما) بالاخره این فتر باید باز شود. خب حالا می‌خورد در سر و صورتمان، به قیمت گرانی هم ممکن است تمام شود. ما نمی‌توانیم خبطی بکنیم و به شعور مردم توهین بکنیم در هر چیزی، در انتصابات و انتخابات فلان و اینها. بعدش اصلاً هیچ کس هم اعتراض نکند. بگوییم این حکومت عدل فلان است، کسی هم اعتراض نکند. نمیشود که. آقا شما مثلاً یک نفر وزیر کار است، می‌آید کنار. می‌شود معاون بین الملل آقای مخبر. خب نمی‌فهمیم این یعنی چه؟ بعد از آنجا می‌آید می‌شود رئیس منطقه آزاد و این را نمی‌فهمیم. این هم همه در دو سه ماه اتفاق می‌افتد. این را کجای دلت بگذاری؟ بعد بگوییم نه، اینها همه درست است. به شعور مردم توهین نشده و همه اینها. خب نمیشود که اینجوری.

من یک موقع به آقای قالیباف گفتم. گفتم آقا ما که خر نظام هستیم و همه جوهره پای نظام هستیم، ولی این روش حکومتداری نیست. این روشی که شماها در حکومت دارید که با آن طویله هم نمی‌شود اداره کرد چه برسد به حکومت. اینکه اتفاقاً این نکته را بدانید. پرچم عدالت‌خواهی، پرچم عدالت‌خواهی، این پرچم، پرچم مهدوی است. هم در شناخت مفهومش، طلاب عزیز دقت کنید، جلسه بگذارید، بخوانند، الحیات‌خوانی بگذارند، این یعنی برای ظهور. چونکه بین‌المللی‌ترین حرف حضرت، عدل است و این هم فطری‌ترین حرف است. هر جایی شما بگویید عدل، همه می‌گویند خوب است. می‌گویم اصلاً جزء مستقلات عقلیه است، عدل و ظلم جزوه مستقلات عقلیه است. همه هم دنبال آن هستند. آهان! گفتید به قیمت گرانی است؟ آره، بله، قیمتش زیاد بوده است. همه باید قیمت گزاف و قیمت زیاد بدهیم. مثل زایمان می‌ماند دیگر. دردآور است. می‌گویند دردآور است. خب این باید زایمان‌ها انجام شود دیگر.

به نظر من اتفاقاً خیلی اتفاقات خوبی دارد می‌افتد. خیلی اتفاقات خوبی دارد می‌افتد در کشور. برای طلبه‌ها و همین طلبه‌هایی که با تایلپور هم نمی‌شد بلندشان کرد، الان همه دغدغه دارند، چه شد؟ برویم دانشگاه ها، برویم فلان، برویم فلان بحث را بخوانیم، چه جوری بحث کنیم، اینجا هم همین است دیگر. درستش این است. درستش این است. الان که اعتراض‌های شناسنامه‌دار تحمل نمی‌شد و امروز تحمل می‌شود، امروز فهمیده اند ضرورت است. یعنی ضرورت مجوز دادن به اعتراض. آقا شما اصل ۲۷ قانون اساسی را برای چه گذاشتی؟ اصلاً اصل ۵۹ قانون اساسی را برای چه گذاشتیم؟ هیچ مصداقی ندارد. خب آقا این مفهوم برای چیست؟ یک مفهوم بی‌مصداق کلاً. شما می‌گویید هیچ جا، اصل ۲۷ قانون اساسی می‌دانید دیگر چیست؟ اگر طرف سلاح حمل نکند، اجازه تجمع دارند. خب آقا شما کوچکترین تجمعی را اجازه نمی‌دهی، این هم که سلاح ندارد که. خب پس اصل ۲۷ قانون اساسی برای چیست؟ خب پاکش کنید.

اصل ۵۹ قانون اساسی را گذاشته ای، مبنی بر این که در امور کلان، یک سری امور است که قابل رفراندوم است، غیر فضای انتخابات. خب شما این اعتراضی را که اینها در سالن جباری دانشگاه، سالن ورزشی دانشگاه انجام می‌دهند، کمترین مصداق یک رفراندوم تلقی می‌شود. حالا شما ظرفیت برگزاری آن رفراندوم بزرگ هم ندارید، در زمینه خودرو یک رفراندوم برگزار کنید. ما این بچه‌ها را بردیم لبنان، بالاتفاق همه فحش می‌دادند به جمهوری اسلامی. بچه‌های کف انقلاب اسلامی سر بحث خودرو. آقا یک روز یک رفراندوم (برگزار کنید که) بالاخره این مشکل چهل و چند ساله را که همیشه رو مخ ملت است (حل کنید). اگر نه پس اصل ۵۹ قانون اساسی چیست؟ آقا لااقل فکر کن اینهایی که در سالن جابر می‌خواهند اعتراض کنند، اینها ذیل ۵۹ قانون اساسی هستند. لااقل این را فکر کن. و این را بدانیم، من این را در ارکان نظام دیده ام و این هم حرف خطرناکی است. به این دلیل که نمی‌توانند ایجاد کنند، نسبت به عدالت‌خواهی بی‌تفاوت

دارند می‌شوند. عالم دین کسی است که ملت را جذب می‌کند به سمت عدل، فضای معرفی عدل، عدل‌محوری و عدالت‌خواهی. عالم دین در حقیقت این است. اگر این نباشد، مهدوی نیست. ولی زمینه‌اش به وجود آمده یا نه؟ زمینه اش فراهم شده است یا نه؟ مهم این است که یک موقع از آدم‌ها چیزهایی می‌خواهند، نمی‌دانند چه‌جوری است. اصلاً خود فضای استضعاف، چرا آیه معروف حضرت این است که: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً».

استضعاف، استکبار و مهدویت

فضای استضعاف یک دورن مایه عدالت‌خواهی دارد. کسیکه که به استضعاف کشیده شده باشد یک درون مایه عدالت‌خواهی در او موج می‌زند. منتهای مراتب یکی از کارهای استکبار این است که آن عدالت‌خواهی او را جهتش را منحرف بکند به سمت یک مفهوم دیگر. از داخل آن لیبرالیسم در می‌آید، سوسیالیسم در می‌آید. یعنی می‌بینید که از فضای عدالت‌خواهی یک چیز دیگری در می‌آید.

این زمینه استضعافی که در عالم پیدا شده است، اتفاقاً زمینه‌های مهدوی است این را بدانید. این مصداق «وَقَدْ مَكَرُوا مَكَرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكَرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ». یعنی دشمن مکر میکند ولی مکرش در مکر خدا قرار می‌گیرد. یک موقع می‌گوید «وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ»، یک موقع می‌گوید «وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ» یعنی مکرش در دل مکر خدا دارد انجام میشود اصلاً. نه اینکه با خدا هم دندانی کند «وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ»، نه مکرش در مکر خداست. ببینید اگر جهان بخواهد آماده ظهور شود، باید استضاف و استکبار در آن ایجاد شود. این کار را چه کسی می‌کند؟ خود مستکبر این کار را می‌کند. زمینه را فراهم می‌کند برای یک پیام عدالت‌خواهانه از طرف استضعاف. حالا اینجا جایی است که اتفاقاً ورود کنید استضاف را نشان بدهید. راه حلش را نشان دهید. چه کار کنید این پیام را بدهید. طرف بفهمد به استضعاف کشیده شده است. یعنی آدم‌ها می‌فهمند. وقتی می‌فهمد این قدر ثروت دست اوست، این قدر دست کس دیگر، همین الان بفهمید آقا تمام پول‌های شما را من برداشته‌ام، همین جا می‌گوید آقا! آقا! آقا همینجا قیام می‌کند دیگر. اگر سر من را نگذارید در سینی، خب همینجا قیام می‌کنید. نمی‌توانید بپذیرید که اگر فکر کنید پول‌های شما را در بالا کشیده‌ام و آن وقت این فضا برای ظهور اتفاقاً فضای آماده‌تری است.

این فضا برای اقدامات بعدی به قول حاج قاسم که یک حرف خیلی خوبی است یک فرصتی که در تهدیدهاست، در خود فرصت‌ها نیست. این حرف خیلی مهم است. واقعاً فرصتی که در تهدید است، در خود فرصت نیست. یعنی الان بهترین فرصت برای ایجاد کرسی آزاداندیشی است، بهترین فرصت برای گفتگو، بهترین فرصت برای عدالت، بهترین فرصت برای فشار به مسئولین، بهترین فرصت است. برای کشیدن مسئولین که جواب بدهند. آقا جواب بده بابت این انتخابی که کردی. بابت این‌بابت کاری که داری میکنی. همه باید پاسخ بدهند. بهترین فرصت برای مردمی سازی است. می‌بینید وقتی می‌گویید حکمرانی مردمی. شما مادامی که حکومت، خودش را فعال مایشاء می‌داند، اصلاً حکمرانی مردمی شکل نمی‌گیرد. مردم وقتی می‌توانند حکمرانی مردمی داشته باشند که مردم تشکل خیلی قوی‌ای داشته باشند که از آن طرف توپ را حکومت بخواهد رها بکند، از این طرف کسی را بگیرد.

الان خیلی وقت‌ها این تشکلهای ضعیف مردمی اصلاً نمی‌توانند وظایف این‌چنینی را انجام دهند. الان وقت ایجاد تینک‌تَنک‌ها است. الان، وقت فشار آوردن است. وقت مشورت دادن است. وقت لابی کردن است. وقت همه اینها الان ایست، بهترین فرصت است. این فرصت را فقط خرج این نکنید که بیایید یک فتنه را جمع کنید مثلاً. این فرصت خرج این نشود. که البته من نمی‌گویم به اینها فکر نکنید. مثلاً جام جهانی واقعاً یکی از تهدیدهای است که الان ما را در شرف یک تهدید جدی این مدلی وجود هستیم که اتفاقاً دشمن نمی‌خواهد. دشمن هیچوقت از اتفاق دیروز شریف خوشحال نمی‌شود که یک گروه شناسنامه دار آمدند یک چیزی کردند، یک اعتراضی کردند، اعتراض کردند، یک سری استاد هم آمدند بینشان یک صحبت کردند. حالا پیامشان این بود که چه کار کنیم اینها را آزاد کنیم و فلان و اینها. اتفاقاً الان بسیار فرصت خوبی است. من بعد از ظهر می‌خواهم بروم در فضای رایزنی که استاداها را دعوت کنیم بگویم باشد، آنها را هم بیاوریم، پرونده‌های آنها را بگذاریم و بگویم کفالت کن، به احترامشان، پشت چک این را امضا کن. آن موقع معلوم می‌شود.

فضای جام جهانی بله، اینها در هر فرض بر دیو در هر فرض باختی، اینکه می‌گویم تحلیل نیست خبر است، می‌خواهند ۱۵۰ هزار نفر را حداقل در خیابان بیاورند. خیابان بیاورند، چون مردم را می‌آورند در خیابان، باز دوباره شعارهای مرگ بر دیکتاتور و اینها (سر داده میشود)، از این رو هم که حزب الهی در این چیزها تحمل نمی‌کند، می‌زند با همدیگر درگیر می‌شود، خون و خونریزی. این تهدید دو هفته بعد ماست. خب این را داشته باشید که حالا باید فکر کرد. جدی جدی باید فکر کرد. متأسفانه گلوله‌ها داده‌اند دست وزارت ارشاد حل این موضوع را. آقا وزارت ارشاد دماغ خودش را نمی‌تواند بگیرد. الان مثلاً یک مطلب به این مهمی را مثلاً می‌خواهد وزارت ارشاد جمع کند؟ باید از سطح (شهر) کرد ولی حواسمان به اقدامات بعدی هم باید باشد.

و اما من یک توضیح کوتاهی می‌توانم بدهم. توضیح بلندتر را بگذارید یک موقعیت دیگری بدهم. توضیح کوتاهش این است که همیشه این‌جوری است که تجمعات مردم یک سری لیدر دارد. تجمعات انقلابی‌ها هم همین‌جوری است. یعنی تجمعات مردم همیشه لیدر دارد و در انقلابی‌ها از اول انقلاب، قبل از انقلاب، برای انقلاب هم همین‌جوری بوده است. تجمعات مردمی این‌جوری شکل می‌گیرد. شما اگر توقع داشته باشید که لیدر نباشد، اصلاً یک اشتباه است. پس لیدر دارد. حالا ببینید اینها هم در لیدرهایشان شما ببینید این است که حتماً بگویید تحریک خارجی شده است، این هم حرف دقیقی نیست. یعنی حرف کاملی نیست. درست است آن خارجی هم روی این سوار می‌شود و می‌خواهد اتفاقاً جهت دهی کند، ولی این حرف کامل نیست که بگوییم هر اعتراضی این‌جوری است. این ادعا، این فکر باعث می‌شود هیچوقت اعتراض را نبینیم، نشنویم. کما اینکه اصلاً شما بیاورید در اعتراض در سطح مدرسه. در مدرسه یک کسی هست، کسانی هستند که نسبت به تصمیمات مدرسه معترض هستند. خوب اگر همه آنها را یک برچسب بزنیم که اینها کسانی هستند که با مدرسه مخالفند و اینها کسانی هستند که خلاصه برانداز هستند. مثلاً اگر این حرف را بزنیم، اساساً طرف مقابل را نمی‌توانیم درست بفهمیم. حتی اگر در جاهایی این‌جوری باشد، مصلحت اقتضا می‌کند که شما این را نگویید. بپریدش در یک فضای منطقی‌تری. بیشتر جریانات به لحاظ اقتصادی، به لحاظ جو و اینها همین‌جوری است.

واقعاً ببینید یک موقعیت لیوان خالی است، یک موقعیت لیوان نصفه است، یک موقعیت لیوان پُر است، یک موقع لیوان لبریز است. روی لیوان لبریز این‌جوری است که یک قطره بریزید، یکپویی می‌ریزد لیوان. خب

اینجوری نیست که حالا من که یک قطره ریختم. آن موقعی که یک سری از را می گفتیم که آقا این گشت ارشاد یکی از مزخرفترین کارهایی است که به جهت فنی می شود در یک کشور کرد. و من در محرم همین پارسال گفتم بالاخره این گشت ارشاد کار دست ما می دهد. یک عده فکر کردند که نه، ما حزب اللهیگریمان اینجوری است. نه اینکه بحث های مفهومی هم نمی کنیم، روی میز نظام حرفهای خوب وجود ندارد. من به جد عرض می کنم. بعضیها فکر می کنند الان مثلاً ده تا حرف شیک و مشتی وجود دارد، باید روی اینها یک چیزهایی انتخاب کرد. اینجوری نیست. من یک موقع به آقای قالیباف گفتم، گفتم آقای قالیباف، عاقله نظام کجاست؟ کجای نظام است الان؟ چه جواب داده باشد، خوب است؟ گفت اگر تو هم فهمیدی، من هم فهمیدم. بابا عاقله ای الان نیست. یعنی خیلی بر اساس عقل و تدبیر و مثلاً اینها (نیست). این نقص ما آخوندهاست که نمی گذاریم جلوی میز نظام که بگوییم آقا (این است). بعد فکر می کنیم وقتی من می گویم که گشت ارشاد، این کار خیلی احمقانه است اصلاً یعنی به تمام مبانی دینی نمی خورد، خب اینها فکر می کند تو واداده ای، تو با فلان مخالفی، تو رفتی چهار تا سفر اروپا، روشنفکر شدی و متهم می شویم به این چیزها.

لذا من می خواهم عرض کنم که این مباحثه، مباحثه خیلی خوبی است. منتها این بحث هم بحث حجاب اصلاً نبود اصلاً. اینها یک چیزهای لبریزی است که دارد در کشور اتفاق می افتد و بعداً مثلاً الان همه دنبال این هستند که احمدی نژاد کو؟ ما وقتی هی داد می زنیم آقا این عنصر را حذف نکن از نظام، این خاصیت دارد، این یک چیزی است. وقتی حذف می کنی، یک جایی احتیاج پیدا میکنی که نداری. فکر میکنی اگر این را حذفش کنی و آن را داغانش کنی، آن را لهش کنی، دیگر الان خیلی خوب شد. الان به همه چیز، به همه اهداف از پیش تعیین شده ما رسیدیم. حالا باشد تا اینها را یک مقدار فضا فکر میکنم فضای مساعدی است که ان شاء الله بشود در این بحث ها صحبت می کنیم بعده ها.